با ادامه طرح غربالگری سرطان برست و کولورکتال، اعلام شد؛

غربالگری روی دور تند؛ ۶۶ هزار نفر فقط در اردیبهشت

با اجرای طرح غربالگری سرطان با حمایت فولاد مبارکه در اصفهان، فقط در یک ماه (اردیبهشت ۱۴۰۵) ۴۶,۷۹۴ نفر برای سرطان سینه و ۱۹,۶۴۵ نفر برای سرطان روده بزرگ ارزیابی شدند؛ در غربالگری کولورکتال نیز ۲,۱۰۷ مورد فیت مثبت شناسایی ثبت شد(۱۰.۶ درصد). به گفته مدیرعامل این گروه، همین تشخیص‌های زودهنگام می‌تواند حداقل ۸ همت صرفه‌جویی درمانی فقط در استان اصفهان ایجاد کند؛ عددی که نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی، از شعار فراتر رفته و به یک مداخله قابل سنجش در سلامت عمومی تبدیل شده‌است.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی فولاد مبارکه؛ سعید زرندی، مدیرعامل گروه فولاد مبارکه، با اشاره به تداوم مسئولیت‌های اجتماعی فولاد مبارکه در روزهای پس از حمله اظهار کرد: در نشستی که با دانشگاه علوم پزشکی استان اصفهان داشتیم اعلام شد که وضعیت سرطان در این استان نیازمند حمایت جدی است و طرح غربالگری سرطان‌های روده بزرگ و سینه در استان اصفهان با حمایت فولاد مبارکه آغاز شد؛ این طرح با تشخیص زودهنگام بیماری، حداقل ۸ همت صرفه‌جویی فقط در استان اصفهان به همراه خواهد داشت.

اهمیت این طرح فقط در اعداد بزرگ خلاصه نمی‌شود؛ غربالگری یعنی تشخیص زودهنگام، کاهش رنج خانواده‌ها، افزایش شانس درمان و کاهش هزینه‌های سنگین درمانی که معمولاً در مراحل پیشرفته بیماری بر دوش بیماران، نظام سلامت و اقتصاد خانوارها می‌افتد. وقتی طرحی بتواند جمعیتی گسترده را پوشش دهد، در عمل به یک سپر پیشگیرانه برای جامعه تبدیل می‌شود؛ سپری که هم از جان انسان‌ها محافظت می‌کند و هم منابع مالی را به‌جای درمان‌های پرهزینه، به سمت پیشگیری و مدیریت هوشمند بیماری هدایت می‌کند.

از این زاویه، تداوم حمایت فولاد مبارکه از طرح غربالگری سرطان، حتی در شرایطی که این مجموعه درگیر بازسازی و عبور از آسیب‌هاست، پیام روشنی برای جامعه دارد؛ مسئولیت اجتماعی در روزهای سخت متوقف نمی‌شود. چنین رویکردی، هم‌زمان که به سلامت عمومی کمک می‌کند، اعتماد اجتماعی را نیز تقویت می‌کند و نشان می‌دهد یک بنگاه بزرگ می‌تواند در کنار نقش صنعتی و اقتصادی خود، در حفظ کیفیت زندگی مردم نیز نقشی مستقیم و اثرگذار داشته باشد.

به گفته زهرا روانخواه، رئیس گروه بیماری‌های غیرواگیر معاونت بهداشت استان اصفهان، در اردیبهشت ۱۴۰۵ و در قالب برنامه غربالگری سرطان، ۴۶,۷۹۴ نفر در غربالگری سرطان برست و ۱۹,۶۴۵ نفر در غربالگری سرطان کولورکتال (روده بزرگ) ارزیابی شدند. در بخش غربالگری کولورکتال نیز از میان افراد بررسی‌شده، ۲,۱۰۷ مورد فیت مثبت با ۱۰.۶ درصد فیت مثبت انجام‌شده است؛ این آمار علاوه بر نشان دادن گستره اجرای برنامه، بر ضرورت پیگیری موارد مثبت و ارجاع به مراحل تکمیلی تشخیصی برای افزایش شانس تشخیص زودهنگام تأکید دارد.

یادداشت

بازسازی با تکیه بر توان ملی

هادی نباتی‌نژاد- مدیریت ارتباطات و توسعه برند گروه فولاد مبارکه

شرکت فولاد مبارکه امروز در یکی از مقاطع تعیین‌کننده تاریخ فعالیت خود ایستاده است؛ مقطعی که در آن، بازسازی سریع، هوشمندانه و متکی بر توان داخلی، مسئولیتی است که در سطوح سازمانی، منطقه‌ای و ملی و اجتماعی معنا می‌یابد. پس از جنگ و وارد آمدن آسیب به بخشی از زیرساخت‌ها، تجهیزات و فرایندهای عملیاتی این شرکت، فولاد مبارکه بی‌درنگ با رویکردی فعال، مسئولانه و آینده‌نگر، همه ظرفیت‌های خود را برای احیای توان تولید و آغاز مرحله‌ای تازه از نوسازی و توسعه به میدان آورد. از همان آغاز، نگاه فولاد مبارکه به بازسازی، صرفاً معطوف به جبران خسارت‌ها نبود. این مقطع، فرصتی برای بازنگری در مسیر گذشته، ارتقای ساختارها و به‌روزرسانی فرایندها و فناوری‌ها تلقی شد. در همین چارچوب، مجموعه‌ای از نشست‌ها و جلسات کارشناسی با بنیان‌گذاران، مدیران پیشین، صاحب‌نظران صنعت فولاد و مدیران باسابقه شرکت برگزار شد تا با اتکا به تجربه‌های ارزشمند گذشته، تصویری دقیق‌تر از مسیر پیش‌رو ترسیم شود. بی‌تردید، این سرمایه تجربی یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های فولاد مبارکه برای عبور موفق از شرایط کنونی و حرکت به سوی آینده‌ای پایدارتر است.

در کنار این رویکرد تجربه‌محور، استفاده از ظرفیت‌های علمی، پژوهشی و فناوری کشور نیز با جدیت دنبال شده‌است. فولاد مبارکه در این مسیر، ارتباط و همفکری گسترده‌ای با دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، نهادهای علمی و مراکز تخصصی برقرار کرده و کوشیده است با همکاری وزارتخانه‌های مرتبط و بخش‌های مختلف اجرایی، فرایند بازسازی و نوسازی را بر پایه دانش روز، نوآوری و فناوری‌های بومی پیش ببرد. این رویکرد، بازتاب‌باور عمیق شرکت به این اصل است که بازسازی مؤثر و توسعه پایدار، زمانی تحقق می‌یابد که بر شالوده توان ملی و سرمایه انسانی کشور استوار باشد.

یکی از دغدغه‌های اصلی فولاد مبارکه در این دوره، آن است که بازسازی پیش‌رو با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی محقق شود. بهره‌گیری از توان دانشی، فنی، مهندسی و نوآورانه شرکت‌های دانش‌بنیان، دانشگاه‌ها و مجموعه‌هایی که سال‌ها در مسیر بومی‌سازی صنعت کشور گام برداشته‌اند، برای این شرکت یک انتخاب راهبردی است. بسیاری از این مجموعه‌ها در گذشته نیز همراه فولاد مبارکه بوده‌اند و امروز می‌توانند در طراحی و اجرای مرحله جدید توسعه و نوسازی، نقشی مؤثر و ماندگار ایفا کنند. این هم‌افزایی، افزون بر تسریع روند بازسازی، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوهای تازه‌ای از همکاری میان صنعت، دانشگاه و فناوری در سطح ملی باشد.

بازسازی امروز فولاد مبارکه، فراتر از یک عملیات اجرایی، نماد اراده ملی برای عبور از دشواری‌ها و تبدیل تهدید به فرصت است. در این مسیر، حفظ اعتماد، همدلی و مشارکت جمعی، نقشی تعیین‌کننده دارد. تجربه ما در تمامی برهه‌های تاریخی نشان داده است که هر جا انسجام ملی، برنامه‌ریزی صحیح و نگاه مسئولانه در کنار هم قرار گرفته‌اند، مسیرهای دشوار با سرعت و اطمینان بیشتری پیموده شده‌اند. از همین رو، توجه به سرمایه اجتماعی، تقویت روحیه همکاری و ایجاد فضای اعتماد میان همه بخش‌های درگیر، از مهم‌ترین الزامات موفقیت در این مرحله خواهد بود.

فولاد مبارکه با درک دقیق شرایط موجود، می‌کوشد بازسازی را در چارچوبی اصولی، زمان‌بندی‌شده و مبتنی بر بهره‌وری پیش ببرد؛ به گونه‌ای که حاصل این مرحله، نه‌فقط بازگشت به وضعیت پیشین، بلکه عبور از آن و دست‌یابی به سطحی بالاتر از کارآمدی، تاب‌آوری و آمادگی برای آینده باشد. امروز بیش از هر زمان دیگری روشن است که عبور از دشواری‌ها، تنها با تکیه هم‌زمان بر عقلانیت، برنامه‌ریزی و همدلی ملی ممکن است. فولاد مبارکه این مسیر را با امید و اعتماد دنبال می‌کند و اطمینان دارد که با همراهی متخصصان، دانشگاهیان، صنعتگران، مسئولان و در یک کلام، همه دلسوزان وطن عزیز مان ایران، این دوره نیز با موفقیت پشت سر گذاشته خواهد شد.

گزارش

دولت چگونه می‌تواند بازسازی هوشمند فولاد مبارکه را پشتیبانی کند؟

ایستاده در غبار

تجربه بحران‌های جهانی نشان داده دولت‌ها در بزنگاه‌های بزرگ، صنایع فولادی خود را به منطق بازار واگذار نمی‌کنند، بلکه با حمایت هدفمند از اشتغال، تولید و زنجیره تأمین محافظت می‌کنند. در ایران نیز فولاد مبارکه در چنین نقطه‌ای ایستاده است؛ بنگاهی که اختلال در آن، تنها کاهش تولید نیست، بلکه تهدیدی برای ارزآوری، بازار کار و ثبات اجتماعی منطقه به‌شمار می‌رود. پرسش اصلی این است: نسخه ایرانی حمایت پایدار از این صنعت راهبردی چیست؟

فولاد را می‌توان «دماسنج» اقتصاد صنعتی دانست؛ صنعتی که اگر تب کند، نه فقط یک کارخانه، بلکه شبکه‌ای از اشتغال، سرمایه‌گذاری، حمل‌ونقل، انرژی و حتی امید اجتماعی در یک منطقه تحت فشار قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که در بزنگاه‌های بزرگ ـ از رکود مالی ۲۰۰۸ تا همه‌گیری کرونا و شوک‌های ژئوپلیتیک سال‌های اخیر دولت‌ها معمولاً یک پرسش مشترک را پیش‌روی خود می‌بینند: آیا باید سر نوشت این صنعت راهبردی را به منطق بازار سپرد، یا دولت باید به‌عنوان «بیمه‌گر آخر» وارد میدان شود؟

تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد پاسخ، اغلب به سمت مداخله هدفمند دولت‌ها رفته است. در بحران مالی ۲۰۰۸، ایالات متحده با بسته‌های حمایتی و ابزارهای تعرفه‌ای تلاش کرد زنجیره فولاد داخلی را تثبیت کند. اتحادیه اروپا در سال‌های بعد، هم‌زمان با تشدید رقابت جهانی، از سازوکارهای ضدdامپینگ و حمایت‌های انرژی برای کاهش فشار بر تولیدکنندگان بهره گرفت. چین نیز در دوره کرونا با سیاست‌های اعتباری و پروژه‌های گسترده زیرساختی، تقاضا را در سطحی نگه داشت که چرخ تولید از حرکت نایستد. جمع‌بندی این روندها روشن است: فولاد، صنعتی نیست که دولت‌ها در زمان بحران آن را به حال خود رها کنند؛ ظرفیت فولاد، بخشی از «توان ملی» تلقی می‌شود. دلیل این حساسیت، تنها اقتصادی نیست؛ فولاد صنعتی پیشران است و اثر ضربه به آن، زنجیره‌ای و چندلایه بروز می‌کند. هر شغل مستقیم در فولاد، پشت سر خود مجموعه‌ای از مشاغل غیرمستقیم در معدن، حمل‌ونقل، انرژی، خدمات فنی، پیمانکاری و ساخت‌وساز ایجاد می‌کند. بنابراین کاهش تولید یا توقف یک واحد بزرگ، به سرعت به بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی پیرامونی سرایت می‌کند. در چنین نقطه‌ای، تصمیم‌گیری صرفاً درباره «یک شرکت» نیست؛ درباره حفاظت از یک اکوسیستم صنعتی است. در ایران، فولاد مبارکه در همین جایگاه ایستاده است: بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد کشور و یکی از محورهای مهم ارزآوری صنعتی. گزارش‌ها و آمارهای رسمی نشان می‌دهد عملکرد این شرکت در سال گذشته، هم از منظر افزایش تولید و هم در بخش صادرات، در تأمین ارز کشور نقش معناداری داشته است؛ موضوعی که در شرایط محدودیت منابع ارزی، اهمیت راهبردی پیدا می‌کند. اما درست همین جا پرسش اصلی شکل می‌گیرد: وقتی فولاد مبارکه در معرض بحران قرار می‌گیرد، نسخه حمایت و پشتیبانی در سطح ملی چگونه باید طراحی شود تا صرفاً «رفع حادثه» نباشد و به «بازسازی پایدار» منجر شود؟

از دیپلماسی ارتباطات تا حکمرانی صنعتی

نشست‌های مدیرعامل فولاد مبارکه با نمایندگان دولت و اعضای کمیسیون صنایع و معادن را می‌توان بخشی از «دیپلماسی حکمرانی صنعت» دانست؛ تلاشی برای هم‌راستا کردن سه ضلع سیاست‌گذار، تنظیم‌گر و بنگاه در مقطعی که هزینه خطا در تصمیم‌گیری افزایش یافته است. در این جلسات، فولاد مبارکه نه به‌عنوان یک شرکت منفرد، بلکه به‌مثابه «مجموعه‌ای ملی» صورت‌بندی شد؛ دارایی‌ای که اختلال در آن صرفاً مسئله تولید نیست و می‌تواند به اشتغال، زنجیره تأمین، صادرات و حتی اعتماد عمومی سرایت کند. پیام اصلی نیز آن است که هرچند خسارت‌ها سنگین است، اما با اتکا به ظرفیت‌های داخلی «قابل جبران» خواهد بود؛ مشروط به آنکه سیاست‌ها از حالت واکنشی خارج شود و حمایت‌ها دقیق، هدفمند و زمان‌دار طراحی گردد.

در همین چارچوب، همسویی دولت در نقش حمایتی می‌تواند به اتخاذ رویکردی «تعادل‌ساز» در تنظیم بازار کمک کند. در دوره بازسازی، آزادسازی مدیریت‌شده واردات می‌تواند نقش ضربه‌گیر داشته باشد و مانع جهش‌های قیمتی و تنش عرضه شود؛ به شرط اجرای هوشمند، شفاف و بارعایت ملاحظات تولید داخلی. واردات در این نگاه، مکمل موقت عرضه است نه جایگزین تولید. در سطح راهبردی، جمع‌بندی اتاق‌های فکر و جلسات پیوسته شرکت به یک تصمیم عملیاتی رسیده است: حرکت به سمت راه‌اندازی «کوپارک» به‌عنوان بازوی نوآوری و توانمندسازی زنجیره ساخت داخل. اکوپارک قرار است اتصال میان نیازهای فوری بازسازی، ظرفیت مهندسی و تعمیرات کشور و شبکه شرکت‌های دانش‌بنیان را برقرار کند تا زمان توقف کاهش یابد، ریسک تأمین کنترل شود و مسیر بازگشت به تولید با اتکای بیشتر به توان داخلی کوتاه‌تر شود. جمع‌بندی نشست‌ها به یک گزاره کلیدی می‌رسد؛ بازسازی فولاد مبارکه صرفاً عملیات فنی نیست، بلکه «پروژه ملی» است و به هماهنگی بین دستگاهی، اختیارات روشن، زمان‌بندی شفاف و تأمین مالی مطمئن نیاز دارد؛ از همین رو پیشنهاد تشکیل «ستاد بازسازی» مطرح شده است. در نهایت، دارایی اصلی شرکت فقط تجهیزات نیست؛ دانش فنی، تجربه انباشته و سرمایه انسانی است؛ سرمایه‌ای که فرسایش آن، احیا را پرهزینه‌تر می‌کند.

سه محور حمایت دولت از فولاد در بحران

با این مقدمات، پرسش اصلی دوباره به سطح سیاست عمومی بازمی‌گردد: اگر تجربه جهانی می‌گوید دولت‌ها در بحران‌ها از صنایع فولادی خود حمایت می‌کنند، نسخه ایرانی این حمایت چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

نخستین محور، «ثبات سیاستی» است. صنعت فولاد بیش از هر چیز به پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد؛ به‌ویژه در حوزه انرژی، صادرات، قیمت‌گذاری و تنظیم بازار. تصمیم‌های مقطعی و تغییرات ناگهانی، تولید را پرریسک می‌کند، سرمایه‌گذاری را عقب می‌اندازد و برنامه‌ریزی برای نوسازی و تعمیرات را مختل می‌سازد. ثبات در قواعد، نه یک مطالبه صنفی، بلکه شرط لازم برای حفظ ظرفیت تولید و رقابت‌پذیری است. محور دوم، «تسهیل سرمایه‌گذاری برای بازسازی و نوسازی» است.

تجربه جهانی نشان داده دوره‌های بحران، اگر با سیاست درست همراه شود، بهترین زمان برای جهش بهره‌وری است: ارتقای فناوری، کاهش مصرف انرژی، بهبود استانداردهای محیط زیست و مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها. در این چارچوب، نقش دولت و نهادهای پشتیبان می‌تواند از مسیرهایی مانند تسهیل مالی، تسریع مجوزها، بیمه‌گری ریسک پروژه و هماهنگی میان دستگاه‌ها تعریف شود؛ به‌ویژه وقتی سرعت بازگشت به تولید، به حفظ بازارهای داخلی و صادراتی گره خورده است. محور سوم، «تقویت مشروعیت اجتماعی صنعت» است؛ موضوعی که در نگاه اول اقتصادی به نظر نمی‌رسد، اما در عمل تعیین‌کننده است. فولاد مبارکه طی دهه‌ها، تنها یک واحد تولیدی نبوده؛ به ستون اقتصاد محلی و بخشی از هویت صنعتی منطقه تبدیل شده است. هزاران شغل مستقیم و ده‌ها هزار شغل غیرمستقیم در زنجیره تأمین، حمل‌ونقل، خدمات فنی، پیمانکاری و کسب‌وکارهای محلی، به استمرار فعالیت این مجموعه وابسته‌اند. از همین رو، تضعیف بنگاه صرفاً کاهش تولید نیست؛ می‌تواند مهاجرت نیروی کار، رکود منطقه‌ای و افزایش آسیب‌های اجتماعی را نیز به‌دنبال داشته باشد. در چنین ساختاری، «حفظ اشتغال» یک سیاست حیاتی است. نخستین پیامد بحران صنعتی معمولاً کاهش درآمد و نااطمینانی در بازار کار است. حفظ حقوق و مزایای کارکنان و جلوگیری از گسست نیروی انسانی، علاوه بر کاهش فشار اقتصادی بر خانواده‌ها، از نابودی سرمایه انسانی جلوگیری می‌کند. در صنعت فولاد که فرآیندها پیچیده و تخصصی است، از دست دادن نیروی ماهر یعنی از دست دادن حافظه سازمانی؛ حافظه‌ای که جایگزینی آن زمان‌بر و پرهزینه خواهد بود.

فولاد مبارکه امروز صرفاً با یک چالش صنعتی روبه‌رو نیست؛ در نقطه‌ای ایستاده که آینده یک زیست‌بوم اقتصادی و اجتماعی به آن گره خورده است. تجربه‌های جهانی می‌گوید سرنوشت صنایع بزرگ، در همین لحظات تعیین می‌شود؛ لحظاتی که تصمیم‌هامی‌توانند بحران را به سکوی نوسازی تبدیل کنند یا آن را به فرسایش مزمن بکشانند. پرسش اصلی، بنابراین فقط «عبور از بحران» نیست؛ پرسش این است که دولت و سیاست‌گذار چگونه می‌تواند با ثبات‌بخشی، تسهیل بازسازی و تقویت پیوندهای اجتماعی، نقش خود را در حفظ این زیست‌بوم صنعتی ایفا کند تا هم تولید به مدار پایدار بازگردد و هم آرامش جامعه محلی تثبیت شود.

گزارش

چگونه بازار این محصول از موج سفته‌بازی عبور کرد؟

پاتک فولاد مبارکه به التهاب بازار ورق گرم

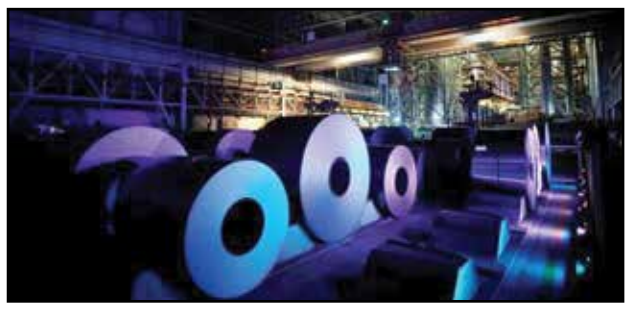

در اقتصادهای کالا محور، هر گونه وقفه در شریان‌های اصلی تولید می‌تواند به سرعت به خلق حباب‌های قیمتی و حضور سفته‌بازان منجر شود. توقف ناگزیر خطوط تولید شرکت فولاد مبارکه در پی تنش‌های اخیر، بازار ورق گرم فولادی را در لبه چنین پرتگاهی قرار داد. با کاهش عرضه، فاصله میان نرخ‌های بورس کالا و بازار آزاد افزایش یافت و انتظارات تورمی به بالاترین حد خود رسید. با این حال، مداخله هدفمند و استراتژی جسورانه این غول صنعتی در بورس کالا، نه تنها ترمز رشد قیمت‌ها را کشید، بلکه نشان داد در مواقع بحران، سیاست‌گذاری دقیق سمت عرضه می‌تواند به عنوان قدرتمندترین ابزار مدیریتی عمل کند.

در چنین فضای غبارآلودی، مدیریت فولاد مبارکه با درک اهمیت زمان در کنترل بحران، استراتژی «تزریق مستمر و هدفمند» را در دستور کار قرار داد. این شرکت طی دو نوبت در تاریخ‌های ۷ اردیبهشت و ۴ خرداد ۱۴۰۵، اقدام به عرضه گسترده محصولات خود در بورس کالا کرد. اما آنچه این عرضه‌ها را از یک اقدام معمول تجاری متمایز می‌ساخت، پشتوانه لجستیکی و عملیاتی آن بود؛ بر اساس داده‌های موجود، این شرکت از ابتدای سال ۱۴۰۵ تاکنون، بالغ بر ۲۸۳ هزار تن محصول را به مقاصد صنایع پایین‌دستی حمل کرد که از این میزان، ۲۳۱ هزار تن آن تنها در بازه زمانی اردیبهشت و ده‌نخست خرداد ماه تحویل داده شد. این حجم از تحویل سریع، سیگنال روشنی از توانمندی شرکت در حفظ جریان تامین، حتی در شرایط پس از بحران، به بازار مخابره کرد.

سیگنال تثبیت و عقب‌نشینی دلالان

نقطه عطف این عملیات تنظیم بازار، در تصمیم‌گیری برای قیمت‌گذاری عرضه دوم (۴ خرداد) نهفته بود. در شرایطی که انتظارات تورمی شکل گرفته در بازار، احتمال افزایش قیمت پایه را بالا می‌داد، فولاد مبارکه محصولات خود را با همان قیمت عرضه نخست روانه تابلوی بورس کالا کرد. این ثبات قیمتی در عرضه دوم، منجر به کاهش ۴ هزار تومانی قیمت پایه نسبت به انتظارات بازار شد. این شوک روانی، محاسبات سفته‌بازان را بر هم زد. شرکت‌ها و دلالانی که تا پیش از این با امید به سودهای کلان از عرضه موجودی خود امتناع می‌کردند؛ با مشاهده عزم راسخ تولیدکننده برای کنترل التهاب و حمایت از صنایع پایین دست، به سرعت وارد عمل شده و انبارهای خود را به روی بازار باز کردند. این موج جدید عرضه در بازار آزاد، منجر شد تا روند نزولی قیمت‌ها شتاب بیشتری بگیرد. بررسی دقیق نمودار روند قیمت‌ها در این بازه زمانی به‌خوبی نشان می‌دهد که پس از عرضه‌های اردیبهشت و خرداد، بازار وارد فاز اصلاح و منطقی‌سازی قیمت شده و شکاف میان نرخ‌های بورس کالا و بازار آزاد به حداقل ممکن رسیده‌است:

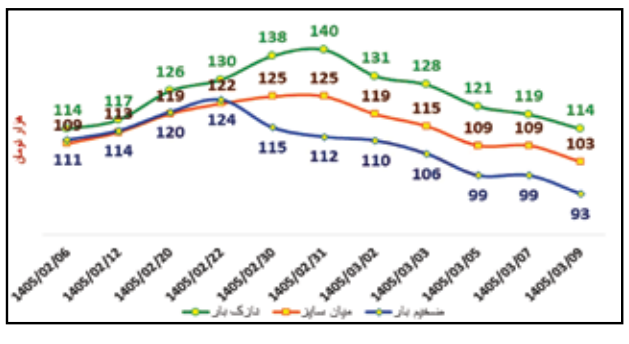

بررسی روند بازار ورق گرم در هفته‌های پرالتهاب ابتدای سال نشان می‌دهد که مدیریت بحران در صنایع مادر، نیازمند ترکیبی از تصمیمات جسورانه و زمان‌سنجی دقیق است. عرضه‌های هدفمند فولاد مبارکه، حفظ حجم بالای تحویل محصولات و هوشمندی در کنترل قیمت پایه بورس کالا، توانست انتظارات تورمی را به‌طور کامل خنثی کند و ثبات را به بازار بازگرداند. دستاورد این استراتژی عرضه هوشمندانه بازگشت دوباره ثبات به بازار ورق گرم کشور بود. همین امر ثابت کرد بزرگ‌ترین تولیدکننده فولاد کشور، تنها یک بنگاه اقتصادی نیست؛ بلکه لنگرگاه ثبات در تامین پایدار نیاز صنایع پایین دستی و اصلی‌ترین بازوی تنظیم‌گر بازار فولاد در روزهای بحرانی محسوب می‌شود.

اخبار فولاد

چگونه غول فولادی ایران ریسک‌های صنعتی را مهار کرد؟
از مدیریت ایمنی فرآیند تا توقف داوطلبانه در فولاد مبارکه

در صنایع سنگین، عیار واقعی سیستم‌های ایمنی و مدیریت ریسک نه در شرایط عادی، بلکه در ثانیه‌های نفس‌گیر قلب بحران مشخص می‌شود. شرکت فولاد مبارکه با استقرار نظام مدیریت ایمنی فرآیند، در جریان تنش‌های اخیر الگویی بی‌نظیر از مدیریت شرایط اضطراری را به نمایش گذاشت. اوج کارآمدی این سیستم در همان دقایق نخست حادثه رقم خورد؛ لحظاتی که می‌توانست مرز میان یک اختلال قابل کنترل و فاجعه‌ای گسترده باشد. در زمان وقوع حادثه حدود ۲۳۰۰ نفر از کارکنان حاضر در سایت، در کمتر از ۱۴ دقیقه از محل کار خود خارج شدند. این رکورد عملیاتی که نشان‌دهنده بلوغ کامل سیستم هشدار سریع و واکنش اضطراری کارخانه است، ثابت می‌کند که استراتژی حفظ جان انسان‌ها و حرکت به سوی «آسیب صفر»، در تار و پود استانداردهای ایمنی این غول صنعتی نهادینه شده‌است.

در صنایع سنگین، ایمنی تنها یک التزام اخلاقی نیست؛ بلکه ستون فقرات پایداری عملیاتی و حفظ حاشیه سود است. شرکت فولاد مبارکه با استقرار نظام مدیریت ایمنی فرآیند و اجرای متوالی سه برنامه توسعه پنج‌ساله، توانسته است ضمن ثبت رکوردهایی فراتر از میانگین‌های انجمن جهانی فولاد، به یک الگوی موفق در مدیریت ریسک صنعتی تبدیل شود.

گذار تاریخی به سوی آسیب صفر حفاظت از نیروی انسانی، پیش‌شرط بلامنازع توسعه پایدار در بنگاه‌های اقتصادی مقیاس بزرگ است. نقطه عطف این رویکرد در فولاد مبارکه به ۱۲ خرداد ۱۳۸۷ بازمی‌گردد؛ زمانی که این مجموعه عظیم موفق به اخذ گواهینامه OHSAS18001 شد و مسیر استراتژیک خود را به سوی چشم‌انداز صفر حادثه تنظیم کرد. در این سطح از تولید، ایجاد محیط کار ایمن فراتر از یک دستورالعمل اداری، رویکردی سیستمی برای افزایش بهره‌وری، تقویت اعتماد و ارتقای وفاداری سازمانی محسوب می‌شود.

استراتژی مهار ریسک در این شرکت، از طریق سه برنامه جامع و زمان‌بندی‌شده پیاده‌سازی شده‌است:

-فاز نخست (۱۳۹۱-۱۳۹۵): تمرکز بر معماری ساختار سازمانی، آموزش، سیستم‌های ایمنی و کنترل عملیات.

-فاز دوم (۱۳۹۶-۱۴۰۰): تعمیق تعهدات مدیریتی در بدنه سازمان، فرهنگ‌سازی، مدیریت تغییر و پایش عملکرد.

-فاز سوم (۱۴۰۱-۱۴۰۵): گذار به سمت نوآوری‌های دیجیتال، ارگونومی و مدیریت یکپارچه بهداشت حرفه‌ای و ایمنی فرآیند.

این معماری یکپارچه، با پایبندی سخت‌گیرانه به استانداردهای بین‌المللی ISO45001 و ISO45005، تمامی ارکان از ممیزی تا واکنش در شرایط اضطراری را پوشش می‌دهد.

مدیریت ایمنی فرآیند در صنعتی با پیچیدگی‌های متالورژیک و پتانسیل بالای خطرات فرآیندی، نیازمند مداخله سیستماتیک است.

ارزیابی و رفع گلوگاه‌های تولید

فولاد مبارکه از سه‌ماهه نخست ۱۳۹۸، اجرای نقشه راه هشت‌فازه‌ای را برای استقرار سیستم PSM آغاز کرد که دامنه آن تا ممیزی بیرونی توسط انجمن جهانی فولاد در سال ۱۴۰۳ گسترش یافته است. این استراتژی مبتنی بر ارزیابی‌های موشکافانه در گلوگاه‌های تولید است. واحدهایی که برای مطالعات تخصصی شناسایی مخاطرات و ارزیابی ریسک انتخاب شده‌اند به شرح زیر است:

-کوره‌های قوس الکتریکی

-واحد RH-TOP

-واحد توزیع سیالات

-درواحد باکس آنیلینگ

-واحدهای گالوانیزه و ورق رنگی

این تحول تکنیکال، بازیرساخت‌های آموزشی گسترده از جمله برگزاری ۳ دوره پایه برای بیش از ۴۰۰ نفر از کارشناسان، سرپرستان، روسا و مدیران ارشد طراحی شد که از این میان ۱۰۰ نفر برای شرکت در دوره‌های تکمیلی پشتیبانی شدند.

ایمنی نهادینه شده

از خرده‌عادت‌ها تا داده‌های کلان ایمنی در فولاد مبارکه تنها یک استراتژی روی کاغذ نیست؛ بلکه با الزاماتی نظیر برگزاری روزانه جلسات سه‌دقیقه‌ای در آغاز هر شیفت، به یک رفتار نهادینه و روزمره بدل شده‌است.

خروجی این تیزبینی سازمانی در داده‌های کلان شرکت به وضوح قابل رهگیری است:

-حذف تلفات انسانی: افزایش روزهای بدون حادثه فوتی از ۱۱۴۶ روز در سال ۱۴۰۰ به رکورد ۲۲۴۲ روز در سال ۱۴۰۳، و تثبیت نرخ مرگ و میر در عدد مطلق صفر.

-بهبود ضرایب ریسک: افت ضریب تکرار حوادث از ۰.۹۵ به ۰.۸۶ و کاهش ضریب شدت از ۰.۰۲۱ به ۰.۰۱۵ در بازه زمانی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳.

-هوشیاری پیشگیرانه: رشد خیره‌کننده ثبت شبه‌حوادث از ۱۳۹۶۳ مورد در سال ۱۴۰۰ به ۵۳۹۱۹ مورد در ۱۴۰۳، که نشان‌گر بلوغ سازمانی و مشارکت فعال پرسنل در شناسایی خطرات پیش از وقوع آسیب است.

مرور این کارنامه تحلیلی ثابت می‌کند که فولاد مبارکه با سرمایه‌گذاری هدفمند بر روی سیستم‌های مدیریت دانش‌محور، جایگاه خود را به عنوان یک معیار جهانی در صنعت فولاد تثبیت کرده‌است.

تمرکز بر امنیت معیشتی و مدیریت بار روانی

اتخاذ تصمیم استراتژیک مبنی بر تعطیل نگه‌داشتن کارخانه در روزهای پرتنش، روی دیگری از تعهد فولاد مبارکه را نمایان کرد. این مجموعه با پشتیبانی همه‌جانبه و تضمین امنیت معیشتی ۳۰ هزار نیروی انسانی در دوران توقف تولید، توانست بزرگ‌ترین پیامد پنهان بحران، یعنی «بار روانی و اضطراب اقتصادی» را از دوش کارکنان بردارد. این رویکرد جامع نشان داد که استراتژی ایمنی در فولاد مبارکه، چتر حمایتی گسترده‌ای است که نه تنها جان پرسنل را در شرایط عادی و لحظه خطر حفظ می‌کند، بلکه ثبات ذهنی و آرامش روانی آن‌ها را نیز به عنوان مهم‌ترین ستون پایداری سازمان، تضمین می‌نماید.